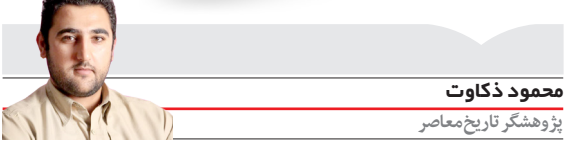


«آشنایی با پدیدارشناسی»

کتاب «آشنایی با پدیدارشناسی» با گردآوری و ترجمه علی نجات غلامی، توسط انتشارات یگانه روزگارنو منتشر شد. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات معتبرترین اندیشمندانی است که در زمینه چستی پدیدارشناسی قلم زده‌اند. هدف از ارائه این مجموعه مقالات، آشنایی با پدیدارشناسی به‌نحوی نظام‌مند و فراهم آوردن گونه‌ای نقشه فکری از سیمای تاریخی-مفهومی این جنبش فلسفی معاصر است. این کتاب در ۴۲۷ صفحه و به قیمت ۵۶ هزار تومان منتشر شده است.



«اندیشه اصلاحی» تاریخ معاصر جهان اسلام را دگرگون کرده است. وقتی قدرت‌های غربی از شرق تا غرب جهان اسلام را در استعمار و تحت نفوذ خود داشتند، بعضی نخبگان جهان اسلام موسوم به «اندیشه گران اصلاحی» جهت مقابله با وضعیت موجود، ضرورت‌های جدیدی را در حوزه دین و جامعه و سیاست مسلمین مطرح کردند. آنها مهم‌ترین ضرورت را «مقابله با استعمار» و «تغییر نگرش مسلمین به قرآن و اسلام» دیدند. آنها برای این مهم «اتحاد مسلمین»، «بازگشت به قرآن و سنت» و «زدودن اسلام از هر گونه بدعت و خرافات» را مطرح کردند. این جریان تا روزگار کنونی نیز تداوم دارد.

به‌عبارت دیگر جریان اندیشه اصلاحی در تقابل و در مواجهه با استعمار به ظهور رسید. در ادامه اما رویکردهای دیگری بر اندیشه اصلاحی چیره شد و آن اندیشه را از اصلاحی به تجدیدنظرطلبی کشاند. اندیشه اصلاحی که ریشه در دوره‌های پیشین داشت از نیمه اول قرن هجدهم، شرق تا غرب جهان اسلام را درنوردید. هند که نخستین مواجهه را با استعمار داشت مطلع این اندیشه بود. از قضا علمای شیعه هند کسانی همچون شاه‌عبدالعزیز دهلوی و شاگردانش در رأس این حرکت بودند. اما اندیشه اصلاحی در آنجا متوقف نماند. به مرور این اندیشه که رویکرد مقاومتی علیه استعمار داشت به دیگر خطه‌های اسلامی نیز وارد شد. در میان این «نخبگان اصلاحی» کسانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده و سرسیداحمدخان سهم مهمی در توزیع آموزه‌های اصلاحی در جوامع داشتند. داعیه‌داران اندیشه اصلاحی، در نخستین سال‌های ظهور بر «اتحاد اسلامی» و «مبارزه با استعمار» و «تجدید بنای اسلام» تاکید داشتند، اما در ادامه با نفوذ جریان تجدیدنظرطلب بر جریان اندیشه اصلاحی، مولفه‌های دیگری به این عرصه وارد شد که در برخی جهات در تضاد با انگیزه پیدایش اندیشه اصلاحی بوده است. آنچه از آموزه‌ها و عملکرد نخبگان اصلاحی در این وبیزه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، مهم‌ترین مولفه‌های آن است. همچنین باید درنظر داشت مولفه‌های مورد اشاره منحصر به وجهه نظری نیست. از جمله خصوصیات اندیشه گران اصلاحی ورود به حوزه‌های عمومی و سیاسی است. به همین اساس برخی از ویژگی‌های این اندیشه معطوف به عملکرد نخبگان آن است.

جایگاه ویژه علم جدید

دغدغه اصلی اندیشه اصلاحی، توجه و در گام بعد اکتفا به خرد و عقل و اجتهاد، جهت علاج وضعیت و مشکلات جهان اسلام بوده است. اندیشه‌گران اصلاحی از شرق تا غرب اسلامی از سیدجمال و عبده تا سرسید احمدخان متأثر از عقب‌ماندگی تکنولوژیک و ابزاری مسلمانان نسبت با اروپاییان، مساله خود را «علت‌یابی وضعیت مسلمانان» و «تغییر این وضعیت» قرار دادند. آنان در علت عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، اسلام را متهم نمی‌کردند بلکه مساله اصلی را «برداشت غلط و اشتباه مسلمانان از تعالیم اسلام» می‌دانستند و در مقابل، نخبگان تجدیدنظرطلب ریشه عقب‌ماندگی را در عقاید مسمانان دیدند. بنابراین بیشترین تلاش خود را معطوف به تغییر این عقاید کردند. هدف حرکت اصلاحی به‌رسمیت شناختن نقش عقل، خاصه عقل جدید، در زندگی مردم بود. ایشان بر آن شدند تا بین عقاید اسلامی و علم جدید تناسب برقرار کنند و با ترازوی علم جدید به‌سراغ اسلام رفتند. بنابراین هر آنچه با علم جدید تناسب نداشت را از دین ندانسته و زوائد، حواشی و خرافه معرفی کردند. عمده‌شدن علم جدید درنظر نخبگان تجدیدنظرطلب تا جایی پیش رفت که جهت اثبات آموزه‌های قرآن، به تطبیق گزاره‌های قرآنی و حدیثی با علم جدید پرداختند. در این بستر که به تعبیری از سرسید احمدخان در تفسیر «تبیان الاسرار» و محمد عبده در «تفسیر المنار» شروع شده بود، قرآن باید در پرتو عقل بشری و در جهت همگامی اسلام با عرف جدید تفسیر شود.^(۱) این سبک توسط شاگردان رشید رضا ادامه یافت و در ایران توسط شریعت سنگلجی، حاج یوسف شعار و محمد تقی شریعتی و مهدی بازارگان ادامه یافت.^(۲) همچنین در این بستر از نظریه‌ها و تئوری‌های علمی جهت اثبات تعالیم اسلام و قرآن استفاده می‌شد. این جریان اکنون نیز در ممالک اسلامی بقا دارد و با وجود تکرر نظرات در علم جدید و شکست حجیت و اعتبار مطلق آن و به‌رغم تعارض‌هایی میان علم جدید با برخی از تعالیم قرآن، بحث تفسیر نامدین گزاره‌های قرآن را مطرح می‌کند.

قرآن‌پسندگی و اندیشه بازگشت

«اندیشه بازگشت» و «تجدید» جزو بنیادی‌ترین مولفه‌های اندیشه اصلاحی است. این بازگشت هم جنبه نظری دارد و هم جنبه عملی و سیاسی. در بعد نظری منبع مورد نظر اندیشه‌گران اصلاحی، قرآن بود. قرآن به‌عنوان یگانه منبع اصلی معرفت معرفی شد و صدر اسلام (سیره نبوی و سیره خلفای راشدین) که به مثابه مهم‌ترین و شاید یگانه تجربه معطوف به قرآن باید الگوی مسلمانان قرار گیرد و سیره نبوی و سیره خلفای راشدین، سنت پذیرفته و مشروع بودند. درواقع صدر اسلام به‌مثابه دوره مجد و عظمت مسلمین، باید تجدید و تکرار می‌شد و این امر مستلزم آن بود که میان میراث اسلامی به این وسعت و تنوع صرفا قرآن و سیره نبوی مورد توجه قرار گیرد. اهمیت این موضوع چنان بود که تبدیل به «آرمان شهر» اندیشه گران اصلاحی شد. این آرمان شهر برخلاف آرمانشهرهای مرسوم در آینده و ناکجاآباد نبود، بلکه قیلا و در دل تاریخ محقق شده بود. مسلمانان باید بازگشتی نظری و البته در برخی

برگزاری شب صدوقی سها

شب «منوچهر صدوقی سها»، به همت مجله فرهنگی و هنری «بخارا»، با مشارکت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سه‌شنبه ۲۸ خردادماه در تالار فردوسی «خانه اندیشمندان علوم انسانی» برگزار می‌شود. در این مراسم که از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار خواهد شد، مهدی محقق، حکمت‌الله ملاصالحی، نصرالله حکمت، حسن بلخاری، حسین کلباسی‌اشتری و علی دهباشی سخنرانی خواهند کرد.



بررسی تاثیر اجتماعی اندیشه اصلاحی در جهان اسلام و ایران (۱)

فراز و فرود مبارزه با استعمار در اندیشه اصلاحی

تأملی در مولفه‌های اندیشه و عمل اصلاحی



جهات عملی به آن عصر می‌داشتند. در این صورت، هم اختلافات از میان می‌رفت و هم مجد و عظمت پیشین بازیابی می‌شد.

اصالت اجتهاد و رد تقلید

اجتهاد از منظر اندیشه‌گران اصلاحی نقش مهمی در احیای اسلام و مسلمین دارد. نتایج کاربردی اجتهاد و عقل به‌صورت تحلیل انتقادی میراث گذشته و پیراستن آن از عناصر افسانه‌ای، در تاکید بر اجتهاد و رد تقلید نمود می‌یافت.^(۳) شاید این مولفه در تضاد با مولفه قرآن‌پسندگی به‌نظر برسد، اما واقعیت آن است که در قاموس اندیشه اصلاحی هم قرآن‌پسندگی جایگاه ویژه‌ای دارد و هم اجتهاد به‌عنوان یکی از ارکان مهم این اندیشه مطرح است. طیف‌های مختلف اندیشه اصلاحی نگاه یکسانی به قرآن و اجتهاد نداشتند، اما قدر مسلم آن است که همه این جریان‌ها در عین حالی که به قرآن‌پسندی نظر داشتند، اجتهاد را نیز مبنا قرار دادند. البته باید اضافه کرد در ایسن منظر مراد از اجتهاد «اصالت شناخت فره» است. به این معنا که جهت شناخت و فهم آموزه‌های قرآن، نیازی به واسطه و مرجع به‌معنای مرسوم نیست. صرف دانستن زبان عربی، تاریخ قرآن و تاریخ عصر نبوت می‌تواند شناخت را حاصل کند و در تحکیم عقیده اسلادی نیازی به تبعیت از اشخاص نیست. این مولفه به‌شدت مورد توجه و کاربرد جریان سلفیسم اندیشه اصلاحی قرار گرفت. تفسیرهای ساختار گریز و اصطلاحا «تفسیر به‌رای‌های شاذ» خاصه تفسیرهای مارکسیستی و سوسیالیستی از آیات قرآن و حتی سنت نبوی و ائمه که در ایران دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ مرسوم شد، محصول همین مولفه اصلاحی بود.

تاکید بر «توحید» و مبارزه با «مناسک» دینی

نخبگان اصلاحی درصدد تطبیق اسلام با تجدد بودند، بر همین اساس آموزه‌ها، مناسک و شعائری که با روح تجدد و علم سازگار نبود را جزو زوائد و حواشی دین معرفی کردند که باید دین را از وجود آنها پیراست. ایسن امر با تاکید بر مفهوم «توحید» [چنانکه ایشان می‌فهمیدند] صورت می‌گرفت. در دیدگاه اندیشه‌گران اصلاحی مسلمان، زوائد، حواشی و لایه‌های ظاهری دین چنان عمده و قریه شده که مجالی برای طرح بحث‌های اساسی نیست. از نظر نخبگان اصلاحی، مناسک، آیین‌ها و شعائر با اساس دین که قرآن و سنت حقه باشد، نسبتی ندارند. اندیشه‌گران اصلاحی ظواهر و مناسک دینی را که در دوران آنها میان جوامع اسلامی رواج داشت، مورد انتقاد تند و تیز قرار می‌دادند. اصلاح‌طلبی اسلامی ازجمله وجوه بسانتش را واپس‌زدن آنچه به اصطلاح «بدعت» خوانده می‌شد، می‌دانست چراکه به تعبیر ایشان این امور با مصالح امت، قرآن و حدیث ناسازگار هستند.^(۴) مهم‌ترین اصطلاح اندیشه‌گران اصلاحی جهت مبارزه با این مناسک و شعائر، عبارت «شرک» بود. از دیدگاه ایشان هر آنچه واسطه خداوند و بندگان تلقی شود که به‌وسیله این جایگاه دارای اختیار، فیض و شفاعت باشد همچون شرک و بت‌پرستی است و هیچ سختی با تعالیم اسلام ندارد. در این مولفه اصلاحی که به‌شدت مورد توجه جریان تجدیدنظرطلب قرار گرفت، اسلام در طول تاریخ دچار آلودگی‌ها و ناخالصی‌های بسیاری شده و لذا باید آنها را باز شناخت و خرافه‌ها و نادرستی‌ها را زدود و آیین را تصفیه و پالایش کرد. در همین راستا ورود عقاید دیگر ملل در اندیشه اسلام، مورد ذم و نکوهش است، اما در کمال تعجب، فلسفه و سنت فکری یونانی مورد مدح و تایید نخبگان اصلاحی است.

تعامل اندیشه گران اصلاحی با قدرت

از دیگر مولفه‌ها و اقدامات نخبگان و اندیشه‌گران اصلاحی، تعامل آنها با «قدرت» است. تقریبا هیچ اندیشه‌ای بدون ارتباط با قدرت قادر به بقا و تداوم در حیات اجتماعی نیست. در غیر این صورت بقای آن ققیم و به‌لحاظ سیاسی و اجتماعی

اندیشه

نشست مفهوم ایران

نشست «مفهوم ایران در دوره میانه» در ادامه سلسله نشست‌های مساله و ایده ایران برگزار می‌شود. سخنران این نشست، نگین یآوری، استاد تاریخ دانشگاه کلمبیای آمریکا و کارشناس سیاست و سیاست‌نامه در دوره میانه است. این نشست امروز دوشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار خواهد شد.



خیمه صدوسی‌ام

شماره ۱۳۰ ماهنامه خیمه با پرورنده‌ای درمورد نقد و بررسی نظرات سیدکمال حیدری منتشر شد. خیمه ضمن گفت‌وگو با آیت‌الله سیدکمال حیدری با حجت‌الاسلام سوزنچی نیز درمورد نقد آثار حیدری گفت‌وگو کرده است. در این شماره آثار و گفتاری از سیده‌های طباطبایی، مه‌راب صادقی‌نیا، سیدعلی موسوی درباباری، محمد بیابانی و بهزاد دانشگر هم به چشم می‌خورد.



احداث «موسسه» و «نهاد»

نخبگان و جریان‌های اصلاحی عموما بعد از همکاری با قدرت‌های مورد نظر و حین یا پس از موفقیت خود در وجهه سیاسی و موفقیت در تشکیل حکومت‌های دلخواه، بر بیان و تبلیغ نخبگانی، همگانی و عمومی آموزه‌ها و اقدامات فرهنگی و عقیدتی خود تاکید داشتند. آنها جهت تغییرات اجتماعی در راستای اهداف خود، به ایجاد نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای روی آوردند. از جمله اقدامات نخبگان اصلاحی در این راستا و در جهت ترویج اجتماعی افکار خود، ایجاد کالج، مدرسه، روزنامه و دارالتبلیغ بود. در این مرحله آنچه بیش از پیش اهمیت می‌یافت، تسری اجتماعی اندیشه اصلاحی است. نهادهای اجتماعی، به بهترین نحو، نخبگان اصلاحی را به بدننه اجتماعی متصل می‌کردند و از این طریق تاثیرگذاری و ماندگاری آموزه‌های آنها در جامعه محقق می‌شد. عبده در مصر، سرسیداحمدخان در هند و عموم نخبگان اصلاحی در جهان اسلام از تشکیل چنین نهادهای آموزشی-فرهنگی‌ای بهره بردند. این موسسات و نهادها غالبا پذیرای فرزندان اقشار خاصی از مردم بود. ایسن دولتمردان، تجار و بازرگانان و اعضای طبقات مرفه بودند که موفق به حضور در چنین موسساتی می‌شدند. پشتوانه‌های خانوادگی و مالی و سیاسی این اعضا بعدا در ایفای نقش‌های کلان مدیریتی ایشان کارگر می‌افتاد و چنین بود که دولتمردان جوامع اسلامی ذیل فرهنگی آموزش می‌دیدند که بسیار متفاوت از فرهنگی عمومی جامعه بود.

طیف‌های اندیشه اصلاحی

هر سرزمین، خطه و کشوری که با اندیشه اصلاحی مواجه می‌شد -بسته به اینکه نخبگان آن به چه گرایش عرفانی، کلامی یا سسنتی‌ای علقه داشتند- طیف خاصی از اندیشه اصلاحی در آن رقم می‌خورد. بنابراین گرایش‌های مختلف اندیشه‌ای در جهان اسلام به‌ظهور رسید. از گرایش‌های روشنفکرانه عقل محور تا طیف‌های سلفی جنبی‌ی مسلک. همان‌طور که خاطرنشان شد حتی جریان‌های استبداد و استعمارپسند نیز میان آنها به‌ظهور رسیدند. در ایران اندیشه اصلاحی به‌ورطه دیگری افتاد. انحراف از اندیشه اصلاحی، طیفی از جریان تجدیدنظرطلب در فرهنگ اسلامی راقم رد. نخبگان تجدیدنظرطلب با نقدها و سستی‌های فکری، کلامی، سیاسی و اجتماعی بر مناسک و شعائر شیعه، فصل جدیدی از تاریخ تشیع را در ایران رقم زدند. آنها با افراط در تعالیم اصلاحی، این آموزه‌ها را از حوزه اندیشه وارد حوزه اجتماعی و عمومی کردند و رخدادهای دین‌سستیزانه مشروطه به بعد را در تاریخ ایران رقم زدند.

تجدیدنظرطلبی اندیشه اصلاحی ایرانی

عقل‌گرایی، قرآن‌پسندگی (توجه صرف به قرآن و سنت نبوی)، توجه به اجتهاد شخصی و رد تقلید، تاکید بر توحید و رد شعائر و مناسک دینی، بازیگری در تعامل با قدرت‌های خارجی و استبداد داخلی، از جمله رویکردهای نخبگان اصلاحی بوده است. در ایران این جریان با تکتاپوهای منورالفکرهای دوره قاجار و مساعی سیدجمال‌الدین اسدآبادی آغاز شد. شیخ‌های نجم‌آبادی و سیداسدالله خراسانی در دوره مشروطه و بسامشروطه و تبیین اندیشه اصلاحی نقش جدی داشتند. در دوره پهلوی، شریعت سنگلجی و حکمی‌زاده، این اندیشه را وارد حوزه عمومی و اجتماعی گسترده‌تری کردند. این جریان تنوع و گوناگونی عجیبی به خود گرفت تا سرانجام به جریان روشنفکری دینی و نواندیشان دینی در روزگار کنونی به راهبری عبدالکریم سروش رسید. مجموعه یادداشت‌های «تاثیر اجتماعی اندیشه اصلاحی» درصدد است با توجه به سیر این اندیشه در جهان اسلام و ایران، روند و سیر تحول و تطور این اندیشه و تاثیر اجتماعی آن را نمایان سازد. بنابراین برخی از یادداشت‌ها این مساله را در جهان اسلام به‌طور عام بررسی می‌کند و برخی دیگر موضوع مورد بحث را در ایران به‌طور خاص خواهد کاوید. در این میان آنچه مورد توجه خواهد بود، توضیح اجنبه اصلاحی، مولفه‌ها و ابعاد مختلف آن و معرفی نخبگان این عرصه و اندیشه‌ها و تاثیر اجتماعی آنهاست.

پی‌نوشت‌ها:

- «تبیان الاسرار الربانیة فی النباتات و المعادن و الخواص الحویانیة» (تفسیر القرآن و هو الہدی و الفرقان) اثر سرسیداحمدخان، بی‌پرواترین و درعین حال بی‌روش‌ترین تفسیر کتاب آسمانی در تحمیل تکلف‌آمیز مسائل جدید بر آیات شریف قرآن است. در مصر این جریان توسط اخلاف عبده چنان رونق گرفت که طنطاوی دایره‌المعارف‌گونه‌ای آکنده از اطلاعات عمومی و مقالات علمی جدید مزین به آیات قرآنی به‌نام «الجواهر فی التفسیر القرآن الکریم» نوشت. انعکاس این نهضت در ایران با چند دهه تأخیر همراه بود. مانند «کلید فهم قرآن» شریعت سنگلجی، «محکمات و مشابهات در قرآن» و «مقدمات تفسیر» حاج یوسف شعار و نوپردازی‌های جدیدتر و اساسی‌تر نوگرایان برجسته‌ای چون سیدمحمود طالقانی، سیدمحمدتقی شریعتی و مهدی بازرگان از این جمله است. نقل از فراستخواه، مقصود، سراًغاز نواندیشی معاصر: تاریخچه پیدایش و برآمدن اندیشه نوین دینی و غیردینی در ایران و دیگر کشورهای مسلمان نشین، تهران، شرکت انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۷۷، صص ۱۹۱-۱۹۰.
- علیرضاملائی توانی، زندگینامه سیاسی آیت‌الله طالقانی، تهران، نشرنی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳. مقصود فراستخواه، همان، صص ۱۹۱-۱۹۰.
- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ذیل «اصلاح‌طلبی».
- دایره‌المعارف جهان نوین اسلام، ج ۱، ذیل «اصلاح».
- دایره‌المعارف جهان نوین اسلام، ج ۲، ذیل «تجددخواهی».
- دایره‌المعارف جهان نوین اسلام، ج ۳، ذیل «سلفیه».
- دایره‌المعارف جهان نوین اسلام، ج ۱، ذیل «احیا».
- دایره‌المعارف جهان نوین اسلام، ج ۹، ذیل «اصلاح‌طلبی».